

زمانی که نشریات پیک راه افتاد و حتی وقتی که نشریات رشد به جای آن مجلات راه اندازی شد، با امکانات بسیار ساده و پر زحمت منتشر می شد. **علی نجمی** صفحه آرای با سابقه سازمان پژوهش روایت می کند که اوایل خدمتش در دفتر کمک آموزشی، در طبقه زیرزمین ساختمان، یک دستگاه چاپ سربی وجود داشت که از آن برای امور نشریات استفاده می کردند. می دانید چاپ سربی یعنی چه؟ یعنی وقتی مثلاً شما گوشی تلفن همراهتان را برمی دارید تا پیامکی بزنید به جای اینکه حروف را با انگشت لمس کنید تا روی صفحه ظاهر شوند آن ها را از یک جعبه به صورت دستی بردارید و کنار هم بچینید و پیام را بنویسید! در این صورت هر پیامکی که می خواهید بفرستید، یک ساعت طول می کشد و اگر مطلب چند صفحه ای در نظر داشته باشید. یک روز! و اگر یک کتاب در نظر داشته باشید...

مجله دیجیتالی

مسعود جوادیان



نگارنده خود به یاد دارم که ما برای چاپ کتاب‌های درسی، متن دست‌نویس را به اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی تحویل می‌دادیم (همراه با ضمایم...) مدتی می‌گذشت تا نمونه حروف‌چینی شده آن را در توماری دراز و گلوله شده از چاپ‌خانه برایمان می‌آوردند و ما با زحمت بسیار می‌خواندیم و غلط‌گیری می‌کردیم و باز می‌گردانیدیم. مدتی بعد **لی‌اوت** کتاب می‌آمد؛ چیزی که امروزه به آن «ماکت» می‌گویند: هر صفحه از کتاب (حروف‌چینی شده) بر روی یک مقوا چسبانده شده بود. یعنی مثلاً ماکت یک کتاب ۱۵۰ صفحه‌ای، به‌صورت ۱۵۰ صفحه مقوا بود. یک نفر آن را بغل می‌کرد و می‌آورد و چند روز پس از بازخوانی، بغل می‌کرد و به چاپخانه باز می‌گرداند تا از روی آن فیلم و زینک تهیه شود و بالاخره بر ماشین چاپ بسته شود و ... در آن ایام، دست‌اندرکاران چاپخانه، همواره پیام می‌فرستادند و تقاضا می‌کردند که مطالب را کمتر تغییر دهیم، چون هر تغییر به ظاهر اندک در محتوا، به معنای زحمت بسیار و صرف وقت زیاد برای آنان بود!

نجات‌بخش از راه می‌رسد!

تا اینکه **رایانه** از راه رسید: وسیله‌ای عجیب که ابتدا فقط در اختیار «از ما بهتران» بود و کار با آن، گویی نشستن در پشت فرمان یک سفینه فضایی! این دستگاه جادویی چه کارها که نمی‌کرد، با آن می‌شد به راحتی و سرعت نوشت، پاک کرد، غلط‌گیری کرد و مطالب را تغییر داد. به راحتی می‌شد تصویرها را در محل موردنظر جا داد، جابه‌جا کرد، کوچک کرد، بزرگ کرد و خیلی کارها که پیش از آن با زحمت و صرف وقت بسیار انجام می‌شد. در نتیجه، چاپ نشریات و کتاب‌های درسی، سرعتی شگفت‌انگیز گرفت و انقلابی در آن رخ داد. چاپ نشریات رشد با کیفیت و سرعت بیشتری انجام گرفت و کتاب‌های درسی، با شروع سال تحصیلی، اغلب چاپ شده و یا در حال چاپ بودند و دیگر بحران تأخیر چند ماهه چاپ و نرسیدن به موقع در دست دانش‌آموزان فروکش کرده بود.

مجله دیجیتال

اکنون، در صنعت چاپ، گویی انقلاب نوسنگی را پشت سرگذارده‌ایم، انقلاب شهرنشینی را هم از سرگذرانده‌ایم و در آستانه «انقلاب صنعتی» قرار گرفته‌ایم! اکنون چند سالی است در بسیاری از دانشگاه‌ها و نهادهای فرهنگی، مجلات به‌صورت دیجیتالی تولید و عرضه می‌شوند؛ یعنی دیگر «کاغذ»ی در کار نیست. مجلات، در محیط رایانه سازمانده‌ی و نهایی می‌شوند و دیگر چاپخانه‌ای هم در کار نیست. دیگر بسیاری از مجله‌های کاغذی و نیز کار بسته‌بندی و حمل‌ونقل به شهرهای دور و نزدیک و اشغال فضای کتابخانه‌ها و اشتغال نیروی انسانی وجود ندارد. علاقه‌مندان، نشانی الکترونیکی مجله دلخواهشان را به رایانه می‌دهند و فی‌الوقت مجله را می‌بینند، ورق می‌زنند و می‌خوانند. حتی همان‌جا نظر می‌دهند و با مسئول مجله ارتباط برقرار می‌کنند. مدتی است در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی هم این بحث مطرح شده است که خوب است مجلات رشد به‌صورت دیجیتالی عرضه شود! این فکر، هم مخالفانی دارد و هم موافقانی. موافق می‌گوید این اقتضای عصر ماست و دیر یا زود باید به سراغش رفت، اما مخالف می‌گوید معلوم نیست خوانندگان و خواهندگان مجلات رشد در اقصای نقاط کشور به اینترنت پرسرعت و تجهیزات لازم دسترسی داشته باشند، آشنا باشند و به راحتی بتوانند به مجلات دیجیتالی دست یابند. مهم‌تر اینکه می‌گویند اکثریت قشر کتابخوان و اهل مطالعه، تمایل دارند همان مجله کاغذی را به دست گیرند، بخوانند و سپس در کتابخانه خود در اختیار داشته باشند. به نظر می‌رسد که دلایل موافقان متقن‌تر است و دیر یا زود باید به سوی مجله دیجیتالی رفت.

پی‌نوشت

۱. تقسیم‌بندی گوردون چایلد از تاریخ بشر. ر.ک ب: انسان خود را می‌سازد، ترجمه احمد کریمی حکاک و محمد هل اتائی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۲.